



تعابِل یا تعامل؟

علیه جعل تاریخ | مناسبات رهبر انقلاب با آیت الله منتظری در دهه ۱۳۶۰

حجت الاسلام علی ذوعلم

مدیر عامل پیشین کانون اندیشه جوان، مدیرکل دفتر بنامه ریزی و تالف کتب دری، نویسنده کتاب «آیت الله منتظری و نویس پژوهشکار فرهنگ و مطالعات اجتماعی در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی» است. وی در سال ۱۳۸۹ با انتشار کتاب «نقد قال» به گزاره‌های محسن کدیور درباره مناسبات آیت الله منتظری را بهری پاسخ داد.



سال ۱۳۸۹ «محسن کدیور» در نامه‌ای خطاب به رئیس وقت خبرگان رهبری، ادعاهایی را مطرح و انتخاب آیت الله خامنه‌ای را برای تصدی مقام رهبری، خطای فاحش خبرگان در سال ۱۳۶۸ عنوان کرد و نوشت: «جناب آقای هاشمی! اجازه بفرمایید با صراحت خدمت شما عرض کنم، پس از پیروزی انقلاب دو خطای بزرگ اتفاق افتاد: یکی ورود ولایت فقیه به قانون اساسی که مجلس خبرگان مرتكب شد و مرحوم استاد آیت الله منتظری در آن نقش وافری داشت. خطای فاحش دوم، تعین مصدق ولی فقیه است که توسط مجلس خبرگان رهبری انجام شد و شما معمار اصلی آن بنای کج بودید. اکنون تا دیرنشده این خطای فاحش خود را جبران کنید.» آقای کدیور حتماً اطلاع دارد که اتفاقاً استاد وی، آیت الله منتظری، خطای فاحش دوم را هم تایید کرده است! پیام تبریک آقای منتظری خطاب به مقام رهبری پس از اعلان تصمیم خبرگان رهبری در اسناد موجود است. همچنین در رد ادعاهای مطرح شده در

اسلامی برای او بذاع شد، اما این مساله پیش از انقلاب مطرح بود و کسی به او عنوان نداد. پس از انقلاب نیز موضوع قائم مقامی ولی فقیه در مجلس خبرگان رهبری مطرح شد که هیچ ارتباطی به پیشینه او قبل از انقلاب نداشت. او به حق یک فقیه ژرف‌اندیش بود، اما اینکه مگویند تایپش از آیت الله منتظری هیچ‌گاه مراجع در صحنه سیاست ورود جدی نداشتند، اشتباه است. طراحان این القاتات با واقع‌انسبیت به تاریخ بی‌اطلاع و ناگاهه منتظری را از روی غرض مسائل را مطرح می‌کنند. مرحیت شیعه منتقد حکام و پادشاهان داخلی بود. حتی به صورت علني، آن‌ها را غاصب می‌دانستند و در موادی به طور ضمنی تایید می‌کردند. تذکر و نصیحت و حتى وساطت انجام می‌دادند، اما از ممانعی که پای استعمار به ایران خصوصاً از دوره فتحعلی‌شاه باز شد، نفوذ و حضور استعمار باعث گشت تا مراجع در برابر اجنبی‌ها، خارجی‌ها و عوامل آن‌ها به طور جدی بایستند. از جمله آقا احمد کرمانشاهی در زمان فتحعلی‌شاه سال ۱۲۲۲ قمری یعنی ۲۱۵ سال قبل، در سفره هندوستان، نامه‌هایی به دولتمردان داد که شما باید موظف فرنگی‌ها باشید، چون این‌ها فربیکارند و در هندوستان چنایات بسیار کرده‌اند.

در کتاب «مسائل و بیانیه‌های علمای شیعه» نوشته آقای «محمد حسن رجبی» محقق و مورخ، بیانیه‌ها و رسائل سیاسی علمای شیعه منتشر شده است. مثلاً از ابتدای قاجارتا سال ۱۳۳۷ قمری میرزا قمی در برابر فتحعلی‌شاه موضع گیری داشته است. یا سال ۱۲۶۰ قمری آیت الله شفتی در اصفهان که با محمد شاه درگیر بود و سفیر انگلیس در خلال جنگ هرات قصد می‌کند تاز او در برابر محمد شاه استفاده کند، بیانیه داد که محمد شاه سلطان مسلمین است و احترام او واجب و اگرما اختلافی هم داشته باشیم درونی است و از ابیاتی به اجنبی ندارد. نمونه دیگر میرزا شیرازی مرجع تقلید بود که مبارزه با قرارداد «رژی» و شکستن قدرت استبداد و استعمار، زمینه‌ای برای نهضت مشروطیت و صفات آرایی جامعه در برابر استعمار و عوامل آن در دستور کارش بود. در نهضت مشروطیت حضور مراجع در سیاست به اوج خود رسید و آنان نسبت به استبداد و استعمار ایستادگی کردند. برهمین اساس موضع مراجعت در صحنه سیاست پیش از آیت الله منتظری در تاریخ ثبت شده است.

استقلال تاریخ‌نگاری ایرانی

موضوعی که چون شمشیر دوله عمل می‌کند، مستندسازی تاریخ معاصر ایران به روایت اسناد آمریکا و انگلستان است که درباره شخصیت‌های برجسته انقلاب در حال وقوع است. مستندسازان و تاریخدانان حرفه‌ای می‌دانند که نه انگلستان و نه آمریکایی‌ها و نه حتی فرانسویان اسناد دخالت را منتشر نمی‌کنند. این امکان وجود ندارد که انگلستان اسناد دخالت و نفوذ خود را در مورد موضوعات کلیدی برای جلال مطرح مثل فراماسونی، میرزا ملک خان، سید حسن تقی‌زاده، محمد علی فروغی، حسین‌علی خان نواب، رضاخان و... را به چاپ رساند. یا آمریکایی‌ها پرده از توپهای خود در ۱۲۲۰ یا دخالت و خیانت‌ها و جنایت‌های ایشان بردارند. درواقع چنان‌چه اسناد انگلیس و آمریکا و اروپا منتشر شود، ابعاد وسیعی از جنایت، خیانت و غارت غرب در این مژو بوم مشخص می‌شود به همین دلیل منطقی است که غربی‌ها اسنادشان را منتشر نکنند و آنچه منتشر می‌کنند، فربی دیگر از عملکرد استعمار است. درواقع جریان مبلغ اسناد غرب که گمان می‌کنند این اسناد باید مبنای تاریخ‌نگاری باشد، یا انسان‌های ساده‌اندیش بوده و یا مأموران خاص هستند.

درباره دوره نهضت امام خمینی نیز نمی‌توان به آنچه غربی‌ها از اسناد و تحلیل از شخصیت شناسی سوژه‌ها منتشر می‌کنند، تکیه کرد. گاهی برخی از اسنادی که منتشر می‌شود، اسناد کنسولگری و برخی متعلق به سفارت است و بخش‌هایی از آن حذف شده است. یعنی من اسناد تایپ شده و بخشی از آن‌ها در همان شرایط حذف شده و عمده‌آلاعیه شخصیت‌های انقلاب بوده است. بتایران، کسانی که به عنوان دلال اسناد خارجی فعالیت می‌کنند، اغلب ناگاهه یا واپسی به این کشورها هستند و می‌خواهند تاریخ‌نگاری ایرانی بر اساس اسناد غربی‌ها باشند. این القاء حتی از اساس اشتباه و بعض‌آ خیانت آگاه است. این‌ها شگذردهایی است که به کار می‌برند تاریخ‌نگاری ایران مستقل نباشد. ■

علیرغم اختلاف سنی، رابطه رهبری با منتظری «همکاری و دوستی» بود

نظر امام در تعیین رهبری، قرینه‌ای برای تائید صلاحیت بود، نه موجب رای ایشان

هیچ مستند تاریخی مبنی بر اینکه منتظری استاد آیت الله خامنه‌ای بود، وجود ندارد

ادعاهای کدیور در نامه به هاشمی حتی به تخطیه آیت الله منتظری می‌انجامد

آقای کدیور، در این نامه به رابطه شاگرد و استادی آیت الله خامنه‌ای و آیت الله منتظری اشاره کرده است. این ادعا در حالی طرح شده که هیچ قرینه و شاهد تاریخی برای این ادعا که آیت الله منتظری استاد مقام معظم رهبری بوده است، وجود ندارد. حتی از خاطرات آن مرحوم نیزبرمی‌آید که آیت الله خامنه‌ای به عنوان همکار در فعالیت‌های انقلابی قبل از انقلاب و در ردیف ایشان نامبرده شده‌اند؛ مثلاً به عنوان یکی از اعضای جامعه مدرسین و یا یکی از اعضای گروه ۱۱ نفره تحول در حوزه علمیه قم که مخفیانه شکل گرفته بود. اگرچه آقای منتظری در خاطرات خود بنا داشته است کسانی را که نزد وی درس خوانده‌اند یا حتی در چند جلسه درس شرکت کرده‌اند، نام پرید؛ مثلاً آیت الله طالقانی نام می‌پرید که در درس اسفاری - در زندان قبل از انقلاب - شرکت می‌کرد.^۲

رابطه این دو قبل از انقلاب، علیرغم اختلاف سنی قابل توجه، رابطه همکاری و دوستی بود. همان‌طور که رابطه مقام معظم رهبری با استاد مطهری، رفیق و هم بحث آقای منتظری، همین‌گونه بود. بنته یادآوری این نکته برای پیشگیری از یک اشتباه فاحش تاریخی است، و گرنه اگر چنین مدعایی واقعیت هم داشت، نه کسرشان مقام معظم رهبری بود و نه حقی را نسبت به مقام معظم رهبری ایجاد می‌کرد. در عین حال پیام ایشان در وفات آن مرحوم همراه با تجلیل منصفانه از آیت الله منتظری و دفاع شجاعانه از موضع حق حضرت امام خمینی بسیار بزرگوارانه و سرشار از اغراض و نمونه اخلاق‌الله بود.^۳

پاداشت‌ها

۱. در این مورد اظهارات و خاطرات کسانی چون آیت الله موسوی اردبیلی و نیز مطالی که در همان سال نخست، اقایان: عبدالله نوری، کربوی... اعلام داشتند، کاملاً گویا واضح است.

۲. اظهارات آقای هاشمی رفسنجانی به عنوان رئیس مجلس شورای اسلامی در جلسه تحلیف مقام معظم رهبری در آغاز دوین دوره ریاست جمهوری ایشان.

۳. رک: خاطرات آیت الله منتظری.

۴. در متن پیام ضمن اینکه هیچ اشاره‌ای به مواضع تادرست و خصمانه آقای منتظری در دوره ۲۰ ساله مسئولیت مقام معظم رهبری نشده، ولی به گونه‌ای ظرفی و در حد ضرورت به حقیقت مواضع امام خمینی در عزل آقای منتظری اشاره شده است. اگر این اشاره نبود، با توجه به حق‌کشی‌های رایج نسبت به امام خمینی که متسافنانه مدینان طرفداری و حمایت از امام هم تحت تأثیر عوامل فشار سیاسی و جناحی در این موارد سکوت می‌کنند، چه بسا آیندگان دچار خطا در تحلیل می‌شوند. سعه صدر مقام معظم رهبری و تاکید ایشان بر رعایت نظرات خانواده آن مرحوم در کفن و دفن وی و اغراض تمام از تعامل غیرمنصفانه ۲۰ ساله، حقیقتاً آموزندۀ وستزدنی است و برخاسته از تعالیم عالی اسلام و متناسب با انتظاری که از رهبری ولایت وجود دارد.

این بخش از نامه باید گفت که اولاً گمان و تقریر آقای کدیور که تصور کرده است صرف هدایت و ارشاد امام خمینی به صلاحیت آیت الله خامنه‌ای برای رهبری و اعلان آن توسط مرحوم حاج سید احمد خمینی و روسای مجلس و فوی قضاییه (آیت الله موسوی اردبیلی) در آن زمان، موجب رای به ایشان شد، خطأ و خلاف واقع است. حتماً این هدایت موثر بوده است، اما به عنوان قرینه برای صلاحیت در حقیقت خبرگان رهبری پس از مطرح شدن نام چند نفو و عدم ایاز تمایل به آن‌ها، نسبت به آیت الله خامنه‌ای با اکثریت قاطع ایاز تمایل کردن و با مخالفت شدید ایشان مواجه شدند و در نهایت حضرت آیت الله خامنه‌ای به عنوان یک تکلیف با پشتونه حجت قاطع شرعی، یعنی تشخیص نخست مجلس خبرگان رهبری که بسیاری از مراجع فعلی عضوان بودند، این بارسنگین را بر عهده گرفتند.

ثانیاً، این جریان، معماری جزهدایت و لطف الهی نداشت. برخی از بزرگان خبرگان پس از آن اجلاس گفتند: «ما دست هدایت الهی را در این جریان احساس کردیم و شفاقت و خلوص مسالمه آتجانان واضح بود که حتی چهره‌هایی که در صفت بنده جناحی آن زمان که چه سباه ایشان نزدیک نبودند، با قاطعیت، حمایت و اعلام تبعیت کردن». نویسنده این نامه، نه تنها رئیس مجلس خبرگان را تاخته می‌کند، بلکه رئیس فقید این مجلس، حضرت آیت الله مشکینی و اعضای پرجسته‌ای از آن مجلس مانند حضرات آیات: فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، جوادی آملی، موسوی اردبیلی... رانیز تاخته می‌کند و استاد خود را هم! اثلاً اگر به فرض، آقای کدیور عضو خبرگان رهبری در سال ۱۳۶۸ بود، چه نظری می‌داد؟ آیا پیشنهاد تعیین استاد خود را که توسعه اعلی شده بود، ارائه می‌کرد؟ آیا فرد دیگری را پیشنهاد می‌داد؟ چه کسی؟

اسامی مشخص است و ایشان می‌تواند اعلام کند تا کارشناسان و صاحب نظران برسی کنند که این پیشنهاد تا چه حد طرفدار داشته و مهترانه‌یکه تا چه میزان مشکل نظام و مدیریت کشور را حل می‌کرده است؛ یا اینکه ایشان نظام را بدون رهبرها می‌کرد و همان نظری را که امروز دنبال می‌کند، یعنی سقوط ولایت فقهی، اگر می‌توانست عملی می‌ساخت؟ رابعاً، مگر امروز مخاطب نامه با این کلام ایشان، دیدگاه و رأی ۲۱ سال گذشته (از ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۹) خود را تغییر می‌دهد؟ اگر بدده، مگر خبرگان رهبری زیربار می‌روند؟ اگر بروند، مگر مردم متعدد، متدين، علماء، نخبگان و اقشار مختلف جامعه که طی این سال‌ها، رهبری مدیرانه، دلسوزانه و موقع آیت الله خامنه‌ای را تجربه کرده‌اند، این تصمیم را می‌پذیرند؟ هیچ فرد آگاه و دلسوز برای کشور، نه فقط دلسوز برای اسلام و انقلاب، امور تغییر رهبری را به ذهن خود نمی‌دهد! پس غرض ایشان از طرح این مطلب در این نامه چیست؟ آیا غرض اصلاحی در کار است؟

نکته دیگری که در این نامه ذکر شده است، درباره عزل آیت الله منتظری است که ادعا شده جریان عزل او با مهندسی دستگاه امنیتی کشور در دهه ۱۳۶۰ همراه با برخی مراکز قدرت صورت گرفته است! علیرغم همه اسناد و شواهد کتبی و عینی که نشان می‌داد شخص حضرت امام از رهبری آینده آیت الله منتظری برای انقلاب احساس خطر می‌کردن و خود شخصاً به این نتیجه رسیدند که با قاطعیت اور اعلیٰ کنند، بعد از این موضع منتظری هم ادعا کرد که توطنه‌ای برای عزل وی شکل گرفته بود، اما از اکان توطنه را در دو نفر خلاصه می‌کرد که یکی از آن‌ها، مخاطب اصلی نامه کدیور، یعنی رئیس وقت خبرگان رهبری و دیگری مرحوم حاج سید احمد خمینی بود که انتشار نیجنامه وی در همان سال نخست عزل قائم مقام رهبری، از حقایق فراوانی پرده برداشت. در این میان و قبل از شیطنت‌هایی که برخی از نفوذی‌ها در بیت آقای منتظری داشتند که دیدگاه او را به تدریج تغییر داد، آیت الله منتظری از همان آغاز پیروزی انقلاب احترام و اعتماد فراوانی برای مقام معظم رهبری قائل بود. می‌دانست، شجاعت، پراسایی و دانش عمیق دینی و فقهی همراه با حضور انقلابی و قاطع آیت الله خامنه‌ای از قبل انقلاب، آنچنان بود که آیت الله منتظری در میان همه دولتمردان و روحاشنیون انقلابی، بیش از همه ایشان را سپار تکریم می‌کرد و این تکریم رامی توان از مطالب وی در آخرین خطبه نماز جمعه‌ای که در تهران ایجاد و در همان خطبه از انصباب آیت الله خامنه‌ای توسط امام خمینی برای امامت جمعه تهران خبر داد، درک کرد.

ایشان به صراحت اعلام کرد: «امام خمینی کسی را به عنوان امام جمعه منصوب کرده‌اند که علاوه بر همه آنچه من واجد آن هستم، از امتیازاتی هم نسبت به من برخوردار است». این احترام و اعتماد حتی در اواخر دوره قائم مقامی رهبری که نسبت به دولت میرحسین موسوی هم ایشان به شدت بدینین بود، همچنان حفظ شد. پس از انتخاب آیت الله خامنه‌ای به رهبری، آیت الله منتظری برای رهبر انقلاب، پیام تبریک ارسال و از اقدام به جا و شایسته خبرگان رهبری، تمجید کرد. بنته جایگاه علمی آیت الله خامنه‌ای چنان بود که در همان روزهای آغازین پیروزی انقلاب برای ایشان لقب آیت الله به کار بردند، ولي ایشان خود مانع کاربرد این لقب شدند.^۴